

دکتر سیدامیر رون

عضو هیئت علمی و استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش

پایش مستمر برنامه‌های درسی

به‌ویژه فنی و حرفه‌ای

و کاردانش براساس برنامه درسی ملی

مقدمه

«برنامه درسی ملی» به عنوان یکی از زیرنظام‌های اصلی «سند تحول بنیادین» و به منزله «نقشه جامع یادگیری»، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیقی را در مفاهیم و محتوای آموزشی فراهم می‌آورد. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع در صدد امکان کسب شایستگی‌های لازم برای درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان را میسر سازد و آنان

را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی از سطوح ملی تا محلی است تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به‌صورت نظام‌مند و ساختار یافته در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه‌ای دوست‌داشتنی را به تصویر بکشد.

نظر به اهمیت برنامه درسی در فرایند تربیت، پس از چند سال مطالعه، سند آن تدوین و در «شورای عالی آموزش و پرورش» در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید. در این سند، با توجه به مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، چشم‌انداز، اصول، رویکرد، اهداف، حوزه‌های تربیت و یادگیری، اصول حاکم بر راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی، فرایند تولید و سیاست‌های حاکم بر آن، ساختار و زمان آموزش، سیاست‌ها و الزامات اجرایی، ارزشیابی برنامه درسی ملی، و برنامه‌های درسی به‌عنوان جهت‌گیری‌های کلان، تدوین شده است. زمینه اجرای آن از سوی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» فراهم شده است.

در این میان مسئله اصلی این است که سند مهم مزبور برای اجرا نیازمند هدایت و نظارت راهبردی است. یعنی باید تیمی متخصص به‌طور مرتب با مطالعه و ژرف‌اندیشی انتظارات واقعی این سند را روشن و زمینه اجرای آن‌ها را در برنامه‌های درسی و تربیتی فراهم آورد. لذا به‌نظر می‌رسد در کنار بخش‌های اجرایی که به‌طور طبیعی متناسب با انتظارات این سند وظایف و تکالیف قانونی خود را دنبال می‌کنند، نیازمند سازوکاری هستیم تا به‌طور مرتب این سند را پایش کند و زمینه اجرای مطلوب آن را فراهم آورد. در این مقاله نگارنده تلاش کرده است مطابق مؤلفه‌های طرح شده، پایش برنامه‌های درسی را تبیین کند تا زمینه اجرای آن فراهم آید.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی ملی، پایش برنامه‌های درسی، مرکز پایش، مدل‌های ارزشیابی

تعریف پایش برنامه‌های درسی

«پایش»^۱ به معنای نظارت دقیق همراه با کنترل و ارزشیابی است. منظور از آن هشیاری از وضعیت یک سامانه یا پدیده از راه مشاهده دقیق فرایندها و ارزشیابی میزان دگرگونی‌هایی است که امکان دارد با گذر زمان در آن سامانه یا پدیده رخ دهد [ویکی‌پدیای فارسی]. بنابراین، پایش فرایند مشاهده، کنترل و ارزشیابی مداوم ورودی‌ها، فرایندها و خروجی‌ها به منظور اندازه‌گیری میزان پیشرفت، رعایت شاخص‌ها و شناسایی مشکلات و موانع و برنامه‌ریزی برای رفع موانع و ارتقای کیفیت محصولات است. امروزه پایش در بسیاری از زمینه‌ها کاربرد دارد، از جمله نظارت بر سامانه‌های آموزشی، خدماتی، صنعتی، نیروگاهی، امور زیست‌محیطی و پزشکی. در فرایند پایش معمولاً

از طریق مشاهده مستقیم عملکرد کارکنان در یک سیستم، و نحوه کارکرد و نقاط قوت و ضعف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و به کارکنان آن سیستم و یا مراجع بالادستی بازخورد داده می‌شود تا برای رفع کاستی‌ها چاره‌اندیشی کنند.

در فرایند پایش، عملکرد نسبی کارکنان براساس یک سلسله از شاخص‌ها ارزیابی می‌شود. ارزیابان معمولاً به دنبال آن هستند که مشخص کنند، با توجه به امکانات، منابع و تسهیلاتی که در اختیار کارکنان قرار گرفته است، آیا استانداردهای مورد نظر رعایت شده‌اند و یا می‌شوند و اگر موانعی در نیل به استانداردها و رعایت شاخص‌های مورد نظر وجود دارد، این موانع مشخص شوند و برای برطرف کردن آن‌ها چاره‌اندیشی شود.

پایش معمولاً به‌صورت دوره‌ای و در فواصل زمانی مشخص صورت می‌گیرد. در فرایند پایش سعی می‌شود از طریق مشاهده مستقیم عملکرد واحدهای اجرایی و جمع‌آوری اطلاعات و تفسیر نظام‌دار آن‌ها، شواهدی برای توانایی‌ها و یا ضعف‌های کارکنان با توجه به وظایف عملکردی جمع‌آوری و مشخص شود که کارکنان تا چه اندازه به اهداف مورد نظر دست یافته‌اند. به عبارت دیگر، پایش مقایسه‌ای بین وضع موجود و وضع مطلوب از طریق سنجش‌های کمی و کیفی است. منظور از این سنجش‌ها کسب اطمینان و ایجاد انگیزه لازم برای اجرا و یا ادامه برنامه است. برخی از صاحب‌نظران پایش را همان ارزیابی و کنترل کیفی فرایندها و نتایج اجرای یک برنامه به کمک یک سلسله از ملاک‌های ویژه و از طریق مشاهده و اندازه‌گیری دقیق و از نتایج عملکردها می‌دانند. پایش ممکن است به‌صورت درونی و یا بیرونی انجام شود.

دکتر محمدمیر کمالی (۱۳۸۲) بین‌واژه‌های «نظارت»، «کنترل» و «ارزیابی» تفکیک قائل شده است. به اعتقاد وی، نظارت اعم‌تر از کنترل و ارزیابی است. این پژوهشگر به شرح جدول ۱ مقایسه‌ای بین ویژگی‌های هر یک از این اصطلاحات بیان کرده است در مجموع تعریفی که از پایش می‌توان ارائه کرد، از این قرار است: «نظارت، کنترل و ارزیابی وضعیت موجود برنامه‌ریزی درسی، اجراء ارزشیابی و مراقبت از برنامه در مدارس، و مقایسه آن با وضع مطلوب براساس یک سلسله از شاخص‌ها با هدف آگاهی از نقاط قوت و ضعف برنامه‌ریزی درسی و اجرای آن در مکان‌های پایش، دادن بازخورد به ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری در جهت برطرف کردن نقاط ضعف و اصلاح برنامه‌های درسی.»

**«پایش» به معنای
نظارت دقیق
همراه با کنترل و
ارزشیابی است**

تأسیس سامانه
پایش برنامه‌های
درسی در عموم
کشورها، در داخل
نظام آموزشی و
یا خارج از آن
(دانشکده‌های
علوم تربیتی و
یا مؤسسات
خصوصی) به
منظور نظارت بر
تمامی مراحل و
دادن بازخورد به
عوامل اجرایی،
تصمیم‌گیران و
سیاست‌گذاران
پیش‌بینی شده
است

ضرورت راه‌اندازی سامانه پایش برنامه‌های درسی

پایش برنامه‌های درسی در طول مراحل آن، و جمع‌آوری اطلاعات در هر مرحله موجب خواهد شد که موقعیت اجرایی برنامه و کارایی آن افزایش پیدا کند. برنامه‌ریزی درسی در همه مراحل نیازمند پایش است. پایش بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند برنامه‌ریزی است و باید در تمامی مراحل از طراحی گرفته تا تولید، اجرا، ارزشیابی و مراقبت از برنامه دنبال شود تا کیفیت برنامه‌ها در مراحل گوناگون بهبود یابد.

رها کردن برنامه درسی در مراحل گوناگون و غفلت از نظارت، کنترل مراحل اجرایی، ارزشیابی و تداوم برنامه در مدارس موجب می‌شود که با گذشت زمان فاصله بین برنامه درسی مصوب و اجرا شده رو به زوال برود و برنامه اثربخشی و کارایی خود را از دست بدهد (اتفاق افتادن پدیده پوچ شدن برنامه درسی). عوامل مختلفی مانند ضعف برنامه و یا نیروی انسانی، مؤثر نبودن یا کارآمد نبودن برنامه، کمبود فضا و تجهیزات پشتیبان) مانند کارگاه، آزمایشگاه، کتابخانه، فضای ورزشی، نبود و یا کمبود مواد و وسایل دیداری و شنیداری، متخصص نبودن معلمان، عدم تناسب برنامه با نیازهای دانش‌آموزان، کافی نبودن زمان، کاربردی نبودن محتوا و یا عدم تناسب محتوا با توانایی ذهنی دانش‌آموزان، جذاب نبودن و یا مؤثر نبودن راهبردهای یاددهی-یادگیری، عادلانه نبودن نظام ارزشیابی و یا تأثیر عوامل خارجی، مانند پایین بودن سطح فرهنگ خانواده و نوع محیط جغرافیایی (شهری، روستایی و عشایری)، ممکن است که موجبات زوال یک برنامه را فراهم کند. البته نوع زوال برنامه‌های درسی معمولاً از «نوع افتراقی» است. به عبارت دیگر، کل برنامه معمولاً رو به زوال نمی‌رود، بلکه برخی از جنبه‌های آن رو به زوال می‌روند. بدین لحاظ تأسیس سامانه پایش برنامه‌های درسی در عموم کشورها، در داخل نظام آموزشی و یا خارج از آن (دانشکده‌های علوم تربیتی و یا مؤسسات خصوصی) به منظور نظارت بر تمامی مراحل و دادن بازخورد به عوامل اجرایی، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران پیش‌بینی شده است.

سامانه پایش برنامه‌های درسی چیست؟

این سامانه ساختار اداری مناسبی است که وظیفه

آن نظارت، کنترل کیفیت برنامه‌های درسی و ارزشیابی‌های دوره‌ای از برنامه‌های درسی است. منظور از ارزشیابی تعیین ارزش ذاتی برنامه‌های درسی، ارزیابی نتایج عملکرد برنامه، تعیین ارزش موضوعات درسی با توجه به یک زمینه خاص و با کاربرد خاص، مطالعه در خصوص مسائل اجرایی برنامه درسی، تعیین فاصله بین برنامه‌های مصوب و اجرایی، و مراقبت از اجرای درست برنامه درسی در طول زمان است. بدیهی است مراقبت یا نگرهبانی امری است که سطوح مختلف، از مرکز گرفته تا ادارات کل، مناطق و مدرسه (مدیر، معلم و معاون) را طلب می‌کند. در صورتی که مرکز پایش وابسته به دولت باشد، نظارت بر مراحل تدوین و تولید برنامه، کنترل مراحل کارکرد و ارزشیابی از اجرا و نظارت دائمی بر عملکرد مدارس و دادن بازخورد به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در جهت اصلاح برنامه درسی و پشتیبانی از مدارس برعهده این مرکز است.

برخی از کشورها ممکن است که امر پایش را به دانشکده‌های علوم تربیتی و یا مراکز ارزشیابی مستقل از آموزش و پرورش واگذار کنند. اما این بدان معنا نیست که در مورد مراقبت از برنامه و تداوم درست آن آموزش و پرورش مسئولیتی ندارد. به موجب بند ۱۶-۱۴ (ص ۴۹) از سند برنامه درسی ملی، سامانه پایش مستمر برنامه درسی ملی ساختاری اداری است که هدف آن پایش مستمر برنامه‌های درسی و بهبود آن و انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز است و به لحاظ قانونی چنین سامانه‌ای باید در سازمان پژوهش ایجاد شود.

اهداف سامانه پایش برنامه‌های درسی به

شرح زیرند:

۱. کنترل کیفیت برنامه‌ها در تمامی مراحل با توجه به شاخص‌ها و در نهایت، شناخت میزان اثربخشی برنامه‌های درسی در دستیابی به اهداف آموزشی.
۲. ایجاد حس پاسخ‌گویی بین برنامه‌ریزان، مؤلفان کتاب‌های درسی و کارکنان مدارس.
۳. انجام اصلاحات در برنامه‌های درسی و برنامه‌ریزی برای رفع کمبودها.
۴. ارزیابی عملکرد مداوم مدارس و دادن بازخورد به تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش.
۵. پشتیبانی از مناطق و مدارس و رفع تنگناهای آموزشی.
۶. جمع‌آوری اطلاعات با هدف بازنگری و به

روزرسانی برنامه‌های درسی و به تبع آن، برنامه درسی ملی در فواصل زمانی ۵ تا ۱۰ سال.

وظایف سامانه پایش برنامه‌های درسی

با توجه به اهداف تأسیس این سامانه و نیز بندهای ۱۵-۸ تا ۱۵-۱ سند برنامه درسی ملی، وظیفه اصلی و وظایف فرعی این مرکز به شرح زیر خواهند بود:

● وظایف اصلی

۱. نظارت کنترل و ارزشیابی برنامه‌ها در تمامی مراحل اجرا براساس سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، فعالیت‌ها و روش‌های اتخاذ شده در برنامه درسی ملی و جمع‌آوری اطلاعات توصیفی و قضاوتی با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، اطمینان از رعایت برنامه درسی ملی و اثربخشی برنامه‌های درسی در اجرا.
۲. نظارت بر مدیریت برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریت آموزشی مدارس.
۳. تنظیم گزارش در ادوار زمانی دو تا سه سال به سطوح ذی‌صلاح و ذی‌نفعان وزارت آموزش و پرورش.

● وظایف فرعی

۱. تدوین سیاست‌های کلی نظارت، کنترل، ارزشیابی و مراقبت از تداوم برنامه‌های درسی.
۲. تهیه طرح جامع نظارت، کنترل، ارزشیابی و مراقبت از برنامه‌های درسی با محوریت برنامه درسی ملی در مراحل گوناگون.
۳. بهره‌گیری از انواع شیوه‌های نظارتی، کنترل و ارزشیابی باتوجه به بندهای پانزده‌گانه برنامه درسی ملی.
۴. تهیه ملاک‌ها، شاخص‌ها و نشانگرها به منظور قضاوت در مورد برنامه‌های مناسب، اجرای مناسب، کارآمدی و اثربخشی برنامه‌های طراحی شده مرتبط با بندهای پانزده‌گانه برنامه درسی ملی.
۵. تدوین برنامه‌های سالانه نظارت، کنترل، ارزشیابی و مراقبت از اجرای برنامه درسی ملی.
۶. بررسی چگونگی مشارکت دادن همه ذینفعان در سطوح ستادی و صف و داخل و خارج از مدرسه در فرایند نظارت کنترل و ارزشیابی (مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی، دفتر چاپ و توزیع، دفتر امور کمک آموزشی معلمان، مدیران، پژوهشگران، ارزشیابان، واحد امتحانات، معاونت نیروی انسانی، ادارات کل و مناطق و مدارس).
۷. پیگیری تهیه برنامه جامع، فراگیر و بلند مدت

- مشمتمل بر تمامی اقدامات و فعالیت‌های مورد نیاز بخش‌های گوناگون درون آموزش و پرورش براساس برنامه درسی ملی (بند ۱-۱۴ برنامه درسی ملی).
۸. جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی و مستندسازی آن برای استفاده در ارزشیابی نهایی برنامه درسی ملی.
۹. انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز.

فرایند انجام پایش در برنامه‌های درسی

در صورتیکه پایش را نظارت، کنترل کیفیت کمی و کیفی و ارزیابی عملکرد یک سامانه از ابتدا تا انتها و به کمک یک سلسله از شاخص‌ها تعریف کنیم، پایش مراقبت، کنترل، نظارت و ارزیابی از تمامی فرایندهای برنامه درسی، از درون‌داد (طراحی برنامه‌ها و طراحی بسته‌های آموزشی) گرفته تا فرایند (اجرای برنامه در کلاس درس) و برون‌داد (مواد و منابع برنامه درسی تا اعتبار بخشی و اجرای آزمایشی) و نظارت و مراقبت از تداوم برنامه را در دوره‌های متفاوت زمانی شامل می‌شود. پایش معمولاً باید از ویژگی‌هایی نظیر بالینی بودن، مستمر بودن، جامعیت، پویایی، گویا بودن، مؤثر و دقیق بودن برخوردار باشد تا بتواند به اهداف خود دست یابد.

در فرایند پایش همه مراحل کار (طراحی و تولید برنامه) مورد نظارت، کنترل و ارزیابی قرار می‌گیرند و به منظور تحقق کامل برنامه، مفید بودن برنامه و اصلاح برنامه، به مجریان و تصمیم‌گیران ستادی بازخورد داده می‌شود.

تفاوت ارزشیابی با پایش در این است که ارزشیابی با هدف بررسی تحقق اهداف برنامه در فرایندهای مختلف و در پایان هر مرحله صورت می‌گیرد و معمولاً مکمل نظارت است. در ارزشیابی نتایج اجرای برنامه اثربخشی، پیامد و تأثیر نهایی برنامه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همچنین در خصوص مطلوب بودن و یا نبودن یک برنامه و تأثیرات آن قضاوت می‌شود. پایه و اساس ارزشیابی اندازه‌گیری است. ارزشیابی از برنامه درسی با توجه به یک سلسله از مدل‌ها صورت می‌گیرد. در هر مدل شاخص‌ها نیز فرق می‌کنند. از جمله این مدل‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **مدل اثربخشی برادلی:** در این مدل برنامه‌های درسی باتوجه به ۱۰ شاخص ارزیابی می‌شوند.
۲. **مدل هدف محوری تیلر:** این مدل بر نکات قوت و ضعف برنامه‌ها و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارد.

در فرایند پایش همه مراحل کار (طراحی و تولید برنامه) مورد نظارت، کنترل و ارزیابی قرار می‌گیرند و به منظور تحقق کامل برنامه، مفید بودن برنامه و اصلاح برنامه، به مجریان و تصمیم‌گیران ستادی بازخورد داده می‌شود

به استانداردها؛

۲. پایش تولیدات برنامه درسی با توجه به شاخص‌ها؛
۳. پایش اجرای آزمایشی برنامه‌های درسی (نیروی انسانی، منابع پشتیبانی، زمان، قابلیت حمل، فرایند تدریس و ارزشیابی، نتایج عملکرد و ...)
۴. پایش اجرای سراسری برنامه درسی (ورودی، فرایند و خروجی)؛

۵. پایش نتایج اجرای برنامه درسی (خروجی یا ستانده) در یک بازه زمانی.

• حدود و ثغور نظارت، کنترل و ارزیابی‌ها از برنامه درسی متفاوت است و ممکن است که موارد زیر را شامل شود:

۱. نظارت کنترل و ارزیابی نتایج اجرایی تمامی برنامه‌ها و در همه پایه‌ها^۱

۲. نظارت، کنترل و ارزیابی نتایج اجرایی تعدادی از حوزه‌های یادگیری در تمامی پایه‌ها^۲

۳. نظارت، کنترل و ارزیابی نتایج اجرایی حوزه‌های یادگیری متفاوت در یک پایه^۳

۴. ارزیابی شکاف بین یک برنامه درسی مصوب و برنامه درسی اجرایی؛

۵. مراقبت‌های دوره‌ای از عملکرد اجرایی مدارس؛

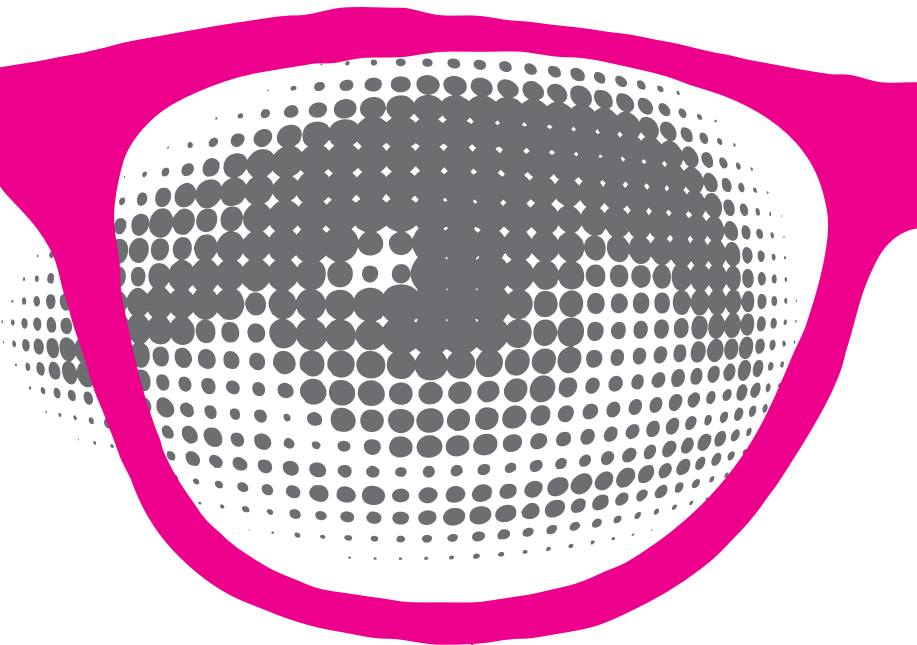
۶. پایش از الگوی هدف‌گذاری در تولید برنامه درسی-تربیتی؛

۷. پایش رویکرد تلفیقی در حوزه‌های یادگیری؛

۸. پایش تناسب محتوا (مفاهیم و مهارت‌های اساسی، ایده‌های کلیدی، شایستگی‌ها، اعتبار علمی، تناسب با نیازهای حال و آینده، علاقه‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، تناسب با زمان، تناسب با زمان، تناسب با انتظارات جامعه اسلامی).

ساختار اداری سامانه پایش

سامانه پایش معمولاً در کشورهای مختلف گاه درون نظام آموزشی و گاه خارج از آن قرار دارد. از آنجا که به موجب سند برنامه درسی ملی، مرکز پایش زیر مجموعه سازمان پژوهش پیش‌بینی شده است و از طرف دیگر، نظارت موقعیتی فراتر از عملکرد دفاتر سازمان پژوهش دارد، و رعایت بی‌طرفی در امر پایش، کنترل و ارزشیابی یک ضرورت است، بدین لحاظ چنین تشکیلاتی باید زیر نظر مستقیم ریاست سازمان باشد تا بتواند به وظیفه خود به درستی عمل کند.



۳. مدل CIPP (زمینه، ورودی، فرایند و محصول): تأکید این مدل فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیرندگان در جهت اصلاح برنامه درسی از طریق ارزشیابی تکوینی است.

۴. مدل هدف آزاد اسکرایون: هدف این مدل ارزیابی برنامه درسی با توجه به اثرات قصد شده و قصد نشده است.

۵. مدل پاسخ‌گویی استیک: هدف این مدل پاسخ‌گویی به انتظارات ذی‌نفعان از اجرای یک برنامه درسی است.

۶. مدل خبرگی آیزنر: این مدل از بعد زیبایی‌شناختی به برنامه درسی و نقد آن به لحاظ کیفیت برنامه، درک ویژگی‌های برنامه درسی و تأثیر آن بر زندگی تربیتی دانش‌آموزان، تأثیر برنامه در شکل‌دهی به ساختار کلاس درس، و هنر آشکار کردن کیفیت یک موضوع درسی، توجه دارد.

موضوعات قابل پایش در برنامه‌ریزی درسی

موضوعات قابل پایش به وظایف مرکز پایش و برنامه‌های سالانه بستگی دارند. از جمله این موضوعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پایش فرایند طراحی برنامه‌های درسی با توجه

رعایت بی‌طرفی در امر پایش، کنترل و ارزشیابی یک ضرورت است

* بی‌نوشته‌ها

1. Monitoring
2. Pogram/study
3. Fields Study
4. Course Study

* منابع

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰
۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱
۴. میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۸۲). مدیریت و رهبری، انتشارات سیطرون، ۱۳۸۲.
۵. دانشنامه ویکی‌پدیا (www.wikipedia.org).

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های نظارت، کنترل و ارزیابی

نظارت	کنترل	ارزیابی
۱. نظارت مقدم بر کنترل و ارزیابی است.	۱. کنترل مقدم بر ارزیابی است.	۱. ارزیابی پس از نظارت و کنترل انجام می‌گیرد.
۲. نظارت می‌تواند ما را تا حدودی از کنترل بی‌نیاز کند	۲. کنترل می‌تواند ما را تا حدودی از ارزیابی بی‌نیاز کند.	۲. ارزیابی مکمل کنترل است.
۳. نظارت در همه مراحل تصویب سیاست‌ها، تعیین اهداف، تهیه برنامه‌ها، اجرای برنامه‌ها، کنترل و ارزیابی نتایج برنامه، تجدید نظر و اصلاح برنامه‌ها اعمال می‌شود.	۳. کنترل پس از پایان انجام هر بخشی از یک فعالیت یا از برنامه کنترل اعمال می‌شود.	۳. ارزیابی در پایان انجام یک فعالیت یا اجرای یک برنامه اعمال می‌شود.
۴. نظارت جنبه پیشگیرانه دارد و نقش و هدایت برنامه و فعالیت‌ها را در جهت میزان تحقق اهداف ایفا می‌کند.	۴. کنترل جنبه اصلاحی دارد. یعنی از طریق مقایسه نتایج حاصل از انجام بخشی از یک فعالیت یا برنامه با وضعیت مطلوب، اقدام به رفع انحراف (احتمالی) و اصلاح می‌شود.	۴. در ارزیابی، نتایج حاصل یا به طور کلی وضعیت موجود با وضعیت مطلوب مقایسه می‌شود و در قضاوت نهایی ممکن است یکی از واکنش‌های زیر به عمل آید:
۵. در نظارت راهنمایی، مراقبت و پیشگیری از طریق دادن آموزش، اطلاعات، تذکر و یادآوری اعمال صورت می‌گیرد و سعی می‌شود تا سرحد ممکن سلامت انجام کار و فعالیت‌ها و حصول نتیجه مطلوب تضمین شود.	۵. در کنترل سعی می‌شود، نقاط ضعف و قوت از طریق مقایسه بخشی از کار انجام شده یا برنامه اجرا شده با وضعیت مطلوب و تلاش برای رفع نقص‌ها و کمبودها پیدا شود.	الف. الزام به جبران انحراف مشاهده شده در نتایج حاصل از وضعیت مطلوب؛
۶. نظارت معمولاً داوری و قضاوت انجام نمی‌شود.	۶. در کنترل پیرامون بخشی از کار یا برنامه اجرا شده قضاوت و داوری به عمل می‌آید.	ب. تغییر اهداف و کاهش سطح توقعات و معیارها به دلیل عدم توانایی سیستم برای تحقق وضعیت مطلوب؛
۷. نظارت لطیف‌تر از کنترل و ارزیابی است و جنبه روابط انسانی بیشتر در آن رعایت می‌شود.	۷. کنترل تا حدودی آزادی عمل فردی را تهدید می‌کند.	ج. بالابردن سطح اهداف، توقعات و معیارها به دلیل مشخص شدن ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالاتر سازمان؛
۸. نظارت تقریباً توییح و مجازات مشاهده نمی‌شود.	۸. در کنترل احتمال توییح و مجازات وجود دارد.	د. حذف یا تغییر کامل برنامه و فعالیت مورد نظر.
۹. در نظارت کارکنان کمتر فکر می‌کنند، شخص ناظر به دنبال مچ‌گیری و یا اعمال اغراض شخصی (ناعادلانه) نیست و بیشتر به دنبال راهنمایی و کمک به افراد است.	۹. در کنترل چون تا حدودی قضاوت و داوری به عمل می‌آید، بیشتر کارمندان عمل کنترل‌کننده را نوعی مچ‌گیری و معمولاً قضاوت و داوری او را ممکن است که تا حدودی مغرضانه و ناعادلانه تلقی کنند.	۵. در ارزیابی نیز کنترل صورت می‌گیرد، اما در سطحی وسیع‌تر و تلاش می‌شود تا از طریق مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب نقاط قوت و ضعف پیدا شود و در خصوص برنامه یا فعالیت‌ها تصمیم‌گیری شود.
۱۰. در نظارت، برنده و بازنده کمتر مطرح می‌شود.	۱۰. در کنترل معمولاً برنده و بازنده مطرح است و به دنبال خود تشویق و تنبیه دارد.	۶. در ارزیابی در مورد کل کار و برنامه اجرا شده قضاوت و داوری و حکم صادر می‌شود.
۱۱. نظارت دوره زمانی محدود و مشخص ندارد و معمولاً به صورت مستمر انجام می‌گیرد.	۱۱. کنترل معمولاً در دوره‌های زمانی محدود و مشخص در طول مدت اجرای برنامه انجام می‌گیرد.	۷. از آنجا که در ارزیابی، قضاوت و داوری مشخص می‌شود همانند کنترل و شاید هم بیشتر معنای ضمنی کار نامطلوب، معمولاً در افراد ایجاد نگرانی می‌کند و حس ناخوشایندی را به وجود می‌آورد.
۱۲. هدف نظارت مدیریت بر عملکرد است.	۱۲. نتیجه کنترل ارزیابی عملکرد در پایان یک فعالیت است.	۸. در ارزیابی احتمال توییح و مجازات بیشتر از کنترل است.
۱۳. در نظارت پاداش دادن مطرح نیست.	۱۳. معمولاً در کنترل موضوع پاداش دادن کمتر مطرح می‌شود.	۹. بیشتر کارکنان در این مرحله معمولاً بیش از کنترل کردن، نوعی مچ‌گیری، تحکم، مغرضانه و یا غیرمنصفانه را احساس می‌کنند.
		۱۰. در ارزیابی بیش از کنترل موضوع برنده و بازنده مطرح و تشویق و تنبیه به عمل می‌آید.
		۱۱. ارزیابی معمولاً در زمان پایان اجرای برنامه یا دوره‌های زمانی مشخص که در آن‌ها بخش مستقلی از یک برنامه به پایان می‌رسد اجرا می‌شود.
		۱۲. نتیجه ارزیابی، نحوه عملکرد است.
		۱۳. معمولاً پاداش دادن با ارزیابی همراه است.